



فصلنامه علمی دانشگاه الزهراء (س) زمینه انتشار: هنر
سال ۱۴، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی، ۷۵-۸۴
<http://jjhjol.alzahra.ac.ir>

قالی در منابع مکتوب قرون چهارم تا هشتم هجری قمری^۱

اکرم نوری^۲

فاطمه کاتب^۳

علی خلیقی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۲

چکیده

فرش دست‌باف دارای سبقه‌ای بسیار طولانی است به گونه‌ای که قدیمی‌ترین قالی‌های دست‌باف در موزه‌های دنیا تنها بخشی از این تاریخ را نمایان می‌کنند. قالی، تاریخ مبهم و ناآشنایی دارد که سیر تکامل و رشد آن همواره مجهول و ناپیدا مانده است. علاوه بر قالی‌ها و تکه‌فرش‌های موجود به جامانده، آثار نقاشی، نگاره‌ها و همچنین متون قدیمی از منابع مهم تاریخ فرش هستند. در منابع مکتوب گذشته، اطلاعات مفیدی درباره قالی ایران وجود دارد. پرسش این تحقیق چنین است که قالی ایرانی در کتاب‌های قدیمی چگونه و تا چه حد توصیف شده است و این منابع مکتوب چه اطلاعاتی درباره آن ارائه می‌کنند. هدف از این پژوهش، چگونگی وصف و شرح قالی در این منابع مکتوب است. در این پژوهش ده عنوان از منابع مکتوب قرن چهارم تا هشتم قمری مطالعه شدند تا اطلاعاتی که درباره فرش دست‌باف ارائه می‌دهند جمع‌آوری و بررسی شوند. این تحقیق از نوع تاریخی است که به روش توصیفی تحلیلی و از طریق منابع کتابخانه‌ای انجام گرفت. نتایج تحقیق چنین است که در قرون چهارم تا هشتم قمری قالی دست‌باف کالایی با ارزش و گران‌قیمت بوده است و بخشی از غنائم، شکوه و جلال قصرهای پادشاهی. همچنین در این منابع رنگارنگ بودن، کیفیت مطلوب بافت و جنس ابریشمی، پشمی و گاه زرین‌الیاف بیان و توصیف شده‌اند، در حالی که در ارتباط با طرح و نقوش قالی‌ها گزارش و اطلاعاتی ارائه نشده است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ فرش، قالی ایران، نقوش قالی، منابع مکتوب، کتاب‌های قدیمی.

1-DOI: 10.22051/JJH.2022.38887.1736

این مقاله برگرفته از رساله دکتری اکرم نوری با عنوان: "ساختار طراحی قالی‌های نقشه‌افشان (دوره صفوی و قاجار)" است.

۲- دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. noory14018@yahoo.com

۳- استاد گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، نویسنده مسئول. f.kateb@alzahra.ac.ir

۴- استادیار گروه هنر سنتی، دانشکده هنر، دانشگاه ساکاریا، سردیوان، ترکیه. kali@sakarya.edu.tr

مقدمه

قالی به واسطه تعدد طرح و تنوع نقوش، اصول دقیق بافت و عملیات فنی رنگرزی، دست‌بافته‌ای بارزش است که پژوهش‌های مربوط به آن بیانگر توانایی هنرمندان این هنر است. تحقیق و تفحص در باب تاریخ فرش از شاخه‌های مهم فرش‌شناسی است که از دیرباز مرکز توجه بسیاری از پژوهشگران خارجی و ایرانی بوده است. اطلاعات تاریخی فرش دست‌باف ایران، به‌طور مستقیم از قرن دهم هجری قمری باقالی مشهور شیخ صفی آغاز می‌شود، اما آنچه مشهود و مبرهن است، سبکه‌ای بیش از این تاریخ است. فرش دست‌باف به دلیل ساختارهای پروتئینی پشم، ابریشم یا پنبه با گذشت زمان، پوسیده، فرسوده و تجزیه می‌شود؛ بنابراین دستیابی به قطعات ملموس و مشخص از فرش دست‌باف تنها به چند سده اخیر بر می‌گردد. منابعی که حاوی اطلاعات تاریخی فرش دست‌باف در پیش از این دوران هستند، عبارت‌اند از: منابع تصویری چون نگاره‌ها و منابع مکتوب مثل کتاب‌ها.

نگاره‌های بسیاری مربوط به دوران ایلخانی و تیموری که قرن‌های هفتم تا نهم هجری قمری را شامل می‌شوند، به‌طور مستقیم و آشکار، فرش دست‌باف را نشان می‌دهند. آنها اطلاعاتی چون طرح، نقش و رنگ فرش‌های این دوره را به مخاطب منتقل می‌کنند. در این زمینه پژوهشی (نگارگری)، تحقیقات بسیاری صورت گرفته است، اما در باب تاریخ فرش در منابع مکتوب، تحقیقات کمتری وجود دارد. البته تعدادی مقاله تألیف شده‌اند که در این امر راهگشا و راهنمایان خوبی به شمار می‌آیند و پیشینه و منابعی مفید برای مقاله حاضر قرار گرفته‌اند، اما همچنان کم و محدود هستند. این پژوهش نیز از نظر منبع پژوهشی (تاریخ فرش دست‌باف در منابع مکتوب)، نزدیک به این تحقیقات قرار دارد، اما در بازه تاریخی و برخی منابع مکتوب، متفاوت عمل کرده است. فرضیه اصلی تحقیق بر این نکته استوار است که نقش و طرح قالی در منابع مکتوب مدنظر نویسندگان بوده است و گزارش‌هایی از نقوش قالی بیان کرده‌اند که یافته‌ها و نتیجه تحقیق مطلب دیگری را بیان خواهد کرد.

منابع اصلی تحقیق در این پژوهش، منابع مکتوب قدیمی هستند، کتاب‌هایی که از حیث موضوع اصلی، ارتباطی با صنایع و هنر ندارند، ولی به نوعی بیانگر تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هستند. البته ذکر این نکته ضروری است که در بازه زمانی مذکور کتابی در رابطه با صنایع مستظرفه

و هنر وجود ندارد. ده عنوان کتاب در سه مبحث متفاوت سفرنامه، جغرافیا و تاریخ، طی قرون چهارم تا هشتم قمری بر اساس انتخاب غیر تصادفی - قضاوتی انتخاب شده‌اند، شش کتاب در زمینه تاریخ سیاسی که هر کدام در ارائه مطالب خود کامل و جامع هستند؛ مانند کتاب جامع التواریخ یا تاریخ بیهقی، سه سفرنامه که معروف‌ترین سفرنامه‌های تاریخ ایران طی قرون چهارم تا هشتم قمری ذکر شده‌اند و یک کتاب با محوریت جغرافیا که معرفی شغل، صنایع و هنرها در سرزمین‌ها و بلاد ایران بخش مهمی از آن است. پرسش اصلی تحقیق چنین بیان می‌شود که قالی ایرانی در منابع مکتوب قدیمی به چه شکل توصیف شده است و این کتاب‌ها چه اطلاعاتی درباره قالی ارائه می‌کنند. در راستای روند پژوهش، کتاب‌ها خط‌به‌خط مطالعه شدند تا تمام ردپاهای فرش در آن جست‌وجو، ارائه و تحلیل شوند. روایت فرش از زبان مورخان که ارتباط شغلی و حرفه‌ای با صنایع و هنر نداشتند نیز نکته‌ای است شایسته تأمل.

بی‌شک تعداد کتاب‌های بررسی‌شده در پژوهش حاضر، در مقابل تألیفات بی‌شمار و نسخه‌های قطور قدیمی ایران، بسیار کم و ناچیز است، اما نتایج این پژوهش می‌تواند در دیگر کتاب‌ها به‌صورت مؤلفه‌های تاریخی فرش، واکاوی شود.

پیشینه پژوهش

بررسی تاریخ فرش در منابع مکتوب، دارای پیشینه و سبکه تحقیقاتی است، اما با توجه به وسعت مباحث فرش و سابقه طولانی آن، باز هم به اندازه و کافی نیست. نویسندگان و پژوهشگران بسیاری در باب تاریخ فرش، از این منظر به آن توجه کرده‌اند (کتب قدیمی، اساس پژوهش تاریخی قالی) که بخشی از تألیف خویش را به این مبحث اختصاص داده‌اند و تأکید بیشتر بر منابع تصویری (نگاره‌ها) دارند. از تألیف‌هایی که بیش از موارد دیگر، استفاده مطلوب از کتاب‌های گذشتگان را دارند و راهنما و منابع پژوهش حاضر نیز هستند، منابع زیر ذکر شد:

مقاله «تاریخ فرش بافی در گستره جغرافیای تاریخی شهرهای خراسان در سده‌های اولیه اسلامی» نوشته حسین کمندلو (۱۳۹۳)، ایشان تاریخ فرش در کتاب‌های سده اول تا پنجم هجری قمری در خراسان قدیم را جست‌وجو کرده است. مقاله «بررسی گونه‌ها، شیوه‌ها و جغرافیای تولید فرش ایران در پنج قرن اولیه هجری با تکیه بر منابع مکتوب» نوشته محمود اشعاری و مهرانگیز مظاهری (۱۳۹۳) آن چنان که

از اسم آن برمی آید بازه تاریخی تحقیق تا قرن پنجم هجری است، این دو مقاله بیشترین نزدیکی را به سبک و موضوع تحقیقاتی پژوهش حاضر دارد. همچنین کتاب تاریخ فرش نوشته فضل الله حشمتی رضوی (۱۳۸۷)، ایشان از کتاب‌های بسیاری چون معجم البلدان یا تاریخ طبری در متن خود بهره برده است. تألیفات مذکور آغاز و راهنمای خوبی بر این نوع تحقیق (جستار تاریخ قالی در منابع مکتوب) هستند، اما آنچه تحقیق حاضر را متفاوت می‌کند، دوره تاریخی (قرن چهارم تا هشتم قمری) و یافته‌ها و نظریه‌های متفاوت آن است.

روش پژوهش

این تحقیق از حیث هدف، تاریخی است که به روش توصیفی تحلیلی و از طریق منابع کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد. روند پژوهش بدین شرح است که ابتدا ده کتاب مدنظر: *أحسن التّقاسیم فی معرفه الأقالیم*، تاریخ بیهقی، تاریخ گردیزی، سفرنامه ناصر خسرو، تاریخ جهانگشای جوینی، جامع التواریخ، تاریخ و صاف، سفرنامه ابن بطوطه، سفرنامه کلاویخو، و تاریخ‌نامه هرات به اختصار معرفی می‌شوند تا محتوای کلی آنها شناسایی شود، سپس جملات برگرفته از این کتاب‌ها که اطلاعات راجع به فرش را ارائه می‌دهند، در سه بخش (توسط نگارندگان با محورهای موضوعی مشخص، تعیین شده است) دسته‌بندی می‌شوند. در پی آن مستندات برگرفته از جملات و گزارش‌ها، تحلیل می‌شوند.

مبانی نظری

علاوه بر فرش‌های دست‌باف و قطعه‌هایی که در موزه‌ها نگهداری می‌شوند، منابع تصویری (نگاره‌ها) و منابع مکتوب نیز حلقه‌های گمشده تاریخ قالی را نمایان می‌کنند. مکتب پژوهشی که فرش دست‌باف را در نقاشی‌ها و نگاره‌ها جست‌وجو می‌کند، دارای زمینه‌ای مطلوب در تحقیقات تاریخ فرش است: «این شیوه در حقیقت با اولین فرش‌شناس و پژوهشگر فرش در جهان، دکتر «یولیوس لسینگ»^۱ حدود سال ۱۸۷۷ میلادی آغاز شد. وی اولین کسی بود که در پژوهش‌هایش متوجه شد در برخی از نقاشی‌های قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی متعلق به نقاشان اروپا، فرش‌هایی دیده می‌شود که نمونه‌های کهنه آنها فقط در کلیساها و برخی خانه‌های اعیان وجود دارد که تاریخ آنها متعلق به همان دوران زندگی نقاشان اروپایی مانند «هولبین»^۲ و «مملینگ»^۳ است. بعدها راه پژوهشی او را شاگردش دکتر «ویلهم فن بده»^۴ ادامه داد.

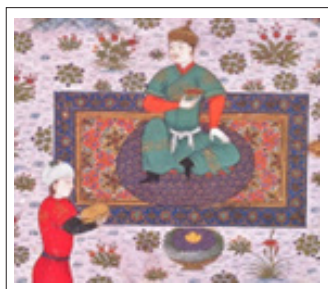
روش تحقیق او همچون استادش لسینگ بر مقایسه هر فرش با فرش‌های نقاشی‌شده در آثار نقاشان اروپایی مبتنی بود که در نتیجه توانست قدمت قالی‌ها را با توجه به تاریخ ترسیم نقاشی، تخمین بزند. همچنین این شیوه از پایه‌های مقدماتی فرش‌شناسی شرق نیز به حساب می‌آید. پس از فن بده، «کورت اردمان»^۵ دیگر فرش‌شناس نامدار آلمانی در تکمیل این روش کوشید. از آنجا که هر دوی آنها از اهالی برلین بودند این روش به نام مکتب برلین شهرت یافت. از ویژگی‌های مشخص این مکتب، آغاز کردن حوزه فرش‌شناسی با بررسی پیشینه و تاریخ فرش در جهان است» (ژوله، ۱۳۹۲: ۱۸).

(تصویر ۱)



تصویر ۱. نقش فرش هولباین در نقاشی مربوط به ۱۶۰۴ م. با عنوان کنفرانس در خانه سامرست (URL3)

پژوهشگران و نویسندگان متعددی این روش پژوهشی را در رابطه با تاریخ فرش به کار گرفتند. در ایران نیز منابع تصویری مربوطه، نگاره‌های به‌جا مانده از دوران ایلخانی، تیموری و صفوی هستند که بخش وسیعی از تاریخ فرش ایران را آشکار می‌کنند، کتاب فرش بر مینیاتور نوشته استاد علی حصوری از آثار به‌نام این عرصه است. «مینیاتور با تحولاتی که در قرن هشتم پیدا می‌کند رفته‌رفته به سمت واقع‌گرایی پیش می‌رود و شاید مینیاتورهای پیش از این دوران منبع موثقی برای قالی ایرانی نباشند» (حصوری، ۱۳۷۴: ۱۳). (تصویر ۲)



تصویر ۲. نقش قالی در نگاره بایسنقر در باغ، مکتب هرات، ۸۳۳ق (حشمتی رضوی، ۱۳۸۷: ۱۷۳)

در باب جست‌وجوی تاریخ فرش ایران در منابع مکتوب نیز تألیفات بسیار خوبی انجام گرفته است. پژوهشگران با مطالعه و بررسی کتاب‌هایی که طی سده‌ها مورخان، سیاستمداران، جغرافی‌دانان، سیاحان و... نگاشته‌اند، سعی در واکاوی مسیر تاریخی فرش داشته‌اند. منابع تاریخی به صورت مستقیم و غیرمستقیم حامل داده‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی هستند، از آنجا که شاعران و نویسندگان از روحیه‌ای نکته‌سنج برخوردار بوده‌اند و هم‌زمان با توده مردم و مقامات سیاسی ارتباط داشتند، آثارشان تا حد زیادی می‌تواند بازتاب اوضاع زمانه‌شان باشد؛ بنابراین پژوهش‌های تاریخی، آثار ادبی و مطالعه آنها از روش‌های مناسب در روشن کردن زوایای تاریک تاریخ خواهد بود (اشعاری و مظاهری، ۱۳۹۳: ۴۹).

کتاب‌های مطالعه شده

کتاب‌هایی که در این تحقیق مطالعه و بررسی می‌شوند در زمره مطالعات تاریخ‌نگاری قرار می‌گیرند که شامل ده عنوان است و در دوره‌های حکومت آل بویه، حمله مغول، حکومت ایلخانان تا تیمور گورکانی تألیف شده‌اند، چهار کتاب منتخب از منابع باارزش دوره مغول (ایلخانان) هستند و از اهمیت تاریخی به‌سزایی برخوردارند که متعاقباً اطلاعات باارزشی در حوزه‌های فرهنگی و هنری نیز به‌همراه دارند، «مغولان به‌دلیل گستره وسیع جغرافیای سیاسی از چین تا آسیای صغیر، پیونددهنده تفکرات غرب و شرق به یکدیگر بوده‌اند و این نکته را می‌توان از مدارک تاریخی به‌جای مانده از آن دوران به‌وضوح دریافت؛ مثلاً مغولان در ادوار گوناگون به ادیان متفاوتی چون شمنی، بت‌پرستی، یهودیت، مسیحیت و اسلام روی آوردند و در هر دوره به انجام مراسم مذهبی دینی که برگزیده بودند، روی می‌آوردند. این به‌نوعی نشان‌دهنده اختلاط هنری در ایران دوره مغول نیز هست. در واقع می‌توان گفت استیلای مغولان بر ایران نقطه عطفی در تاریخ هنر این سرزمین بزرگ به‌شمار می‌رود» (مهدی‌ئی، ۱۳۹۱: ۱۴۴). پژوهشگران در لابه‌لای خط‌های کتب مدنظر، به‌دنبال عبارات‌ها و جملاتی بوده‌اند که گزارشی از قالی و فرش دست‌باف را ارائه دهند، عناوین کتاب‌ها به‌ترتیب تاریخی به شرح زیر است:

۱. **أَحْسَنُ التَّقَاسِيمِ فِي مَعْرِفَةِ الْأَقَالِيمِ**: کتابی در ارتباط با جغرافیای سرزمین‌های اسلامی، تألیف سال ۳۷۵ق، نویسنده آن با بیان تولیدات و صادرات هر شهر و اقلیم، قالی را به‌عنوان

کالایی باارزش و گران‌قیمت توصیف می‌کند.

۲. **تاریخ بیهقی یا تاریخ مسعودی**: با موضوع تاریخ پادشاهی مسعود غزنوی و سلاطین غزنوی، تألیف سال ۴۳۲ق، بیهقی با توصیف و شرح موقعیت‌هایی چون جلوس سلطان و جشن‌ها و کاخ‌های دربار، فرش‌های دست‌باف را به‌عنوان عنصری مهم از چیدمان قصرها و پیشکش‌های سلطانی ذکر می‌کند.

۳. **تاریخ گردیزی یا زین‌الآخبار**: درباره تاریخ، از آغاز خلقت بشر تا پایان سلطنت مودود بن مسعود غزنوی، تألیف در سال ۴۴۲ق، در این کتاب نیز فرش دست‌باف در کنار پارچه‌های ابریشمی و حریر جزو کالاهای باارزش و گران‌قیمت در چندین موقعیت ذکر می‌شود.

۴. **سفرنامه ناصر خسرو**: تألیف در سال ۴۴۴ق، ناصر خسرو در مکان‌هایی که فرش دست‌بافت پهن بوده به واقعیت پایبند است و آنها را در کتاب خود با ذکر نام مکان، به میان می‌آورد.

۵. **تاریخ جهانگشای**: با موضوع تاریخ مغول و خوارزمشاهیان و اسماعیلیان، تألیف در سال ۶۵۵ق، نویسنده فرش دست‌باف را در غالب هدایای درباری، کف‌پوش‌های فاخر و کالایی با ارزش و گران‌بها در موقعیت‌های متفاوت و مرتبط با پادشاهان مغول بیان می‌کند.

۶. **جامع التواریخ**: کتابی برجسته در ارتباط با تاریخ مغول، تألیف در سال ۷۱۰ق، در این کتاب به فرش دست‌باف خیلی کم اشاره شده است، ولی باارزش بودن آن به‌عنوان یک کالا و همچنین شغل و منصب فراش در مواردی ذکر شده است. (تصویر ۳)



تصویر ۳. نوح و پسرانش در کشتی، نسخه‌ای از جامع التواریخ ایلخانی (صداقت و خوشیدی، ۱۳۸۸: ۸۱)

۷. تاریخ و صاف: ادامه‌ای بر تاریخ جهانگشا. تألیف شده در سال ۷۱۶ ق، در این کتاب نیز فرش دست‌باف در مواردی محدود و معدود ذکر می‌شود و مجدد به عنوان دست‌بافته‌ای بارز و غنیمتی. مغول‌ها در بدو ورود به ایران شناخت کافی به قالی نداشتند و شاید همین مسئله باعث شده است تا در آثار مکتوب در ابتدای حکومت مغولان، ذکر و توصیف فرش دست‌باف کمتر باشد.

۸. سفرنامه ابن بطوطه: تألیف شده در سال ۷۵۴ ق، این بطوطه با مشاهده قالی و فرش دست‌باف در سرزمین‌ها و شهرهای متفاوت، امانت‌دارانه آنها را ذکر می‌کند و کیفیت و رنگین بودن و حتی جنس الیاف را نیز بیان می‌کند.

۹. سفرنامه کلاویخو: شرح سفر فرستاده پادشاه اسپانیا به نزد تیمور گورکانی، تألیف در سال ۷۸۴ ق، کلاویخو با علاقه و نگاهی ریزبینانه پارچه‌ها و پوشاک درباریان را وصف می‌کند و در کنار آن انواع قالیچه و فرش را نیز بیان می‌کند.

۱۰. تاریخ‌نامه هرات: با موضوع تاریخ مغول‌ها، تألیف شده در سال ۸۲۱ ق، در این کتاب توصیف فرش دست‌باف به عنوان یک کف‌پوش زیبا و رنگین، چندین بار به میان آمده است.

توصیف قالی در کتاب‌های مذکور

با مطالعه و بررسی کتاب‌های مذکور، در مجموع هشتاد و سه گزارش (شامل یک جمله یا بیشتر مربوط به قالی) به عنوان داده‌های مطالعه شده، جمع‌آوری شد که از تمام این جملات سه نکته به دست می‌آید:

نکته اول: در تمام گزارش‌ها، قالی به عنوان دست‌بافته‌ای بارز و گران‌قیمت توصیف می‌شود؛

نکته دوم: هیچ‌کدام از نویسندگان و مؤلفان مذکور در طول این چهار قرن، به‌طور مطلوب و کافی، حرف از طرح و نقش قالی‌ها به میان نیاوردند و تنها از رنگارنگ بودن و گاه جنس الیاف سخن گفته‌اند؛

نکته سوم: با اینکه نویسندگان از نقوش قالی‌ها سخنی نگفته‌اند؛ اما درباره طرح و نقش پارچه‌ها چون پوشاک، پرده‌ها و دیبا (فرشی نازک و پارچه‌ای) مطالبی نگاشته‌اند. بافت پارچه و قالی از نظر دارکشی تار و پود، شباهت‌های فنی دارند و بر این اساس، پارچه‌بافی بیش از هنرهای دیگر بر الگوبودن برای قالی، مقدم است. چنین احتمال می‌رود که پارچه‌ها به‌واسطه زیبایی، درخور توجه بودن برای درباریان و همچنین ساختار بافت نزدیک و الیاف مشابه با قالی، از منابع بسیار تأثیرگذار نقوش در قالی‌ها بوده است و این نکته آنگاه جلب توجه می‌کند که طبق برخی جملات، پارچه‌ای به‌عنوان

کف‌پوش با نام «دیبا» وجود داشته که نوعی فرش بوده (گسترندی) و گاه به روی قالی‌ها نیز پهن می‌شده «و دیبای چینی بر روی فرش‌ها کشیده» (گردیزی، ۱۳۶۶: ۵۷۰) و این خود نکته‌ای است در این موضوع که بافندگان قالی برای زیبایی و محبوبیت بیشتر فرش دست‌باف تلاش کنند تا نقش‌ها و رنگ‌های دیبا را در قالی‌های خود تکرار کنند.

پژوهشگران تمام جملات جمع‌آوری شده را در سه بخش تقسیم‌بندی کرده‌اند که این تقسیم‌بندی نیز بر حسب نکات به‌دست آمده مذکور، انجام شده است. این نکته نیازمند تأکید و تکرار است که ذکر تمام جملات در این پژوهش امکان‌پذیر نیست:

دسته‌بندی اول شامل جملاتی است که در آنها قالی به‌عنوان دست‌بافته‌ای با کیفیت و گران‌قیمت عنوان شده است و جایگاه و شأن آن در قصر و دربار، بقعه‌های مقدس و جشن‌ها و پیشکش‌های پادشاهان بوده است. این قالی‌ها به‌واسطه ویژگی‌هایی مانند الیاف ابریشم یا ظرافت و زیبایی فنی در بافت، گران‌قیمت و بارز و با ارزش بودند:

«بر روی تخت و سریر سلطان که پایه‌های آن از سیم و طلاکاری ساخته شده بود، قالیچه بزرگی انداخته بودند.» (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۳۴۲)

«برای از دواج سیف‌الدین با خواهر شاه، میادین راقبه زدند و با فرش‌های خوب (قالی) مفروش ساختند.» (همان: ۴۸۰)

«جسد خان مقتول را در ناووس (حفره یا دخمه) می‌گذارند که آن را با بهترین فرش‌ها مفروش گردانیده‌اند با تمام وسایل و کنیزان و غلامان زنده.» (همان: ۶۸۱)

«پدرم با اموال و نفایس مرصعات و جواهر که ترکیب کرده بود از ممالک آذربایجان پرسید و فرش و بسط و آلات مجالس با آن ختم گردانید.» (جوینی، ۱۳۹۱: ۵۳۷)

«قاضی و خطیب مخصوص امیر و قاری ازاق (شهری در شرق شوروی) با طلاب در دست چپ روی فرش فاخری نشسته بودند.» (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۳۲۶)

«داخل بقعه (حرم امام‌رضا) با فرش‌های گوناگون مفروش گردیده است.» (همان: ۳۹۶)

«نذر جهت مزار سیف‌الله خالدين وليد... قنادیل زر و طرح و فرش بود.» (فضل‌الله، ۱۳۷۴: ۱۰۰۳)

«بر در شهر (شهر صور نزدیکی بیروت) مشهدهی راست کرده‌اند و آنجا بسیار فرش و طرح و قنادیل و چراغدان‌های زرین و نقره‌گین نهاده.» (قبادیانی مروزی، ۱۳۶۶: ۱۹)

«فرمود بیرون خرگاه را با انواع نسیج و زربفت فرش

انداختند.» (جوینی، ۱۳۹۱: ۱۷۴)

امیر محمود سبکتگین هدایای بی نظیری را به یوسف قدرخان، سالار ترکستان پیشکش می کند: «هودج‌هایی از دیباچ منسوج و نسج و فرش‌های گران‌مایه از محفوری‌های ارمنی و قالی‌های اویسی و بوقلوم و دست‌های نسج و طبرهای معلم» (گردیزی، ۱۳۶۶: ۴۰۸).

«امیر مجدود را فرمود تا همه خزینه‌ها و گنج‌ها به غزنین آورند... پس هر چه از مال و جواهر و زر و سیم و فرش و آوانی بود همه بر آشتران کردند.» (همان: ۴۳۸)

«در بغداد... ابتدا هر چه داشت از زر تا ارزیز (قلع)، از گوهر تا خَزَف (سفال)، از فرش‌های گرانبها تا حصیرهای کم‌بها همه را به غارت بردند.» (شیرازی، ۱۳۴۶: ۶۰)

«بناهای شادیاخ را به فرش‌های گوناگون بیاراسته بودند همه از آن وزیر حسنک، ... از آن فرش‌ها که حسنک ساخته بود از جهت آن بناها که مانند آن کس یاد نداشت.» (بیهقی، ۱۳۷۱: ۴۱)

«به فرمان امیر المؤمنین، نزدیک امیر ابولفضل جعفر بن یحیی برمکی آدم‌الله لامعه بُرده آمد از زر چندین و از فرش چندین.» (همان: ۲۴۳)

«آنچه می‌باید که از آمل و طبرستان حاصل شود و آن را بوسهل اسمعیل حاصل گرداند، زر نیشابوری هزار هزار دینار و جامه‌های رومی و دیگر اجناس هزار تا و محفوری (نوعی قالی) و قالی هزار دست.» (همان: ۵۹۷)

«چندان جامه و طرایف (لباس دوخته) و زرینه و سیمینه و غلام و کنیزک و مُشک و کافور و عَناب (عنبر) و مروارید و محفوری (نوعی قالی) و قالی و کیش و اصناف نعمت بود در این هدیه سوری که امیر و همه حاضران به تعجب بماندند» (همان: ۵۳۰)

دسته‌بندی دوم جملاتی را ارائه می‌دهد که تنها از رنگارنگ بودن و جنس الیاف قالی‌ها گزارش ارائه می‌دهند (جمله‌ای که درباره طرح و نقش باشد پیدا نشد):

«مطربان خوش‌آواز را طلب داشته و فرش‌های مُلَوَن گسترانیده.» (الهروی، ۱۳۸۳: ۵۰۷)

«فرش‌های مقبره (قبر قیثم‌بن عباس - سمرقند) از پشم و پنبه بافته شده است.» (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۳۸۵)

«از تبریز از زر و سیم و طرح و فرش زرین و سیمین هر چه توانست بار کرد و روانه شد.» (فضل‌الله، ۱۳۷۴: ۹۰۹)

«اندر خوارزم ... امیر روی فرشی ابریشمین نشست بود» (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۳۶۶)

«و در آن خانه صخره (قبه الصخره) همیشه مردم باشند از مجاوران و عابدان و خانه به فرش‌های نیکو بیاراسته‌اند از ابریشم» (قبادیانی مروزی، ۱۳۶۶: ۳۷)

«آن را قُرشِ سوری نام است کوشکی نیک عالی بانواع نقوش و فرش‌های مُتِلَوَن حالی.» (جوینی، ۱۳۹۱: ۲۷۳)

«چو روز بر شب تیره شد بارگاه را در آراسته بودند و فرش‌های مُتِلَوَن گسترانیده.» (الهروی، ۱۳۸۳: ۲۷۴)

«داخل حرم (امام علی ع) با انواع فرش‌های ابریشمین و غیره مفروش است.» (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۱۶۶)

دسته سوم حاوی گزارش‌هایی است که از ظرافت بافت و زیبایی طرح و نقش پارچه‌ها چون لباس‌ها، خیمه‌ها و پرده‌ها و گلدوزی‌ها سخن گفته‌اند. نکته دیگر درباره پارچه‌ها، «دیبا» است که به‌عنوان پارچه‌ای منقوش و بسیار زیبا و با کیفیت، گاه خود به‌عنوان فرش (تنها) و گاه به‌عنوان روفرشی (روی قالی یا نمد)، استفاده می‌شده است. چنین احتمال می‌رود که دیبا ضخامت و نرمی مطلوب چون قالی را نداشته؛ بنابراین یا به روی قالی و نمد نرم پهن می‌شد یا بر سطحی نرم چون چمن یا علفزار:

«قَتْلُغُ الِیْثی چند جامه زربفت و مُصور پادشاهانه که گفتی صنایع و نَساج قدرت به ید حکمت بافته پیش پادشاه اکتای آورد و اکتای را خوش آمد پرسید ناسج این نَسج‌ها و مصوّر این صورت‌ها و مُطرز این عَلم‌ها کیست.» (الهروی، ۱۳۸۳: ۱۴۲)

«آرغون ایلچیان را به خزانه گرگان فرستاد تا هر آنچه بود حاضر گردانیدند و به کارخانه‌های نیشابور و طوس و اسفراین فرستاد تا جامه‌ها بیارایند.» (فضل‌الله، ۱۳۷۴: ۷۹۲)

«سایبان‌هایی از پارچه‌های رنگین... بر این پرده‌ها یا سایبان‌ها، نقش و نگار گوناگونی با نهایت سلیقه گلدوزی شده بود.» (کلاویخو، ۱۳۷۴: ۲۳۰)

«در چهار گوشه سقف غرفه (چادر)، چهار عقاب نشسته که بال‌هاشان را جمع کرده‌اند نقش شده... آنگاه اندکی پایین‌تر، سه شاهین با نخ سیمین به فواصل مساوی دوخته شده‌اند.» (کلاویخو، ۱۳۷۴: ۲۴۰ و ۲۴۲)

«روی تشک‌ها با ابریشم پوشیده شده بود که بر آنها برگ‌های کاج و گل و نقش‌های گوناگون گلدوزی کرده بودند.» (همان: ۲۶۹)

«از جامه‌های نَسیج و زربفت به آوان گوناگون چنانک پیش از آن کس خیمه چنان نه افراخته بود.» (فضل‌الله، ۱۳۷۴: ۵۸۶)

«پرده‌های سرخی که بسیار خوب و زیبا بافته شده و بر آنها

نقش‌های گوناگونی انداخته‌اند.» (کلاویخو، ۱۳۷۴: ۲۳۹)

«از شام پارچه‌های گلدوزی شده زیبا و ظریف، بسیار به تجارت می‌رفت.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲۵۳)

«از شوشتر دیبای خوب فرش و پارچه تافته خوب می‌برند.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۲۲)

«دانشمند بهادر از اسب پیاده شد و قدم بر زربفت و دیبایی که به رسم پانداز انداخته بودند، نهاد.» (الهروی، ۱۳۸۳: ۵۱۰)

«فرش او نم‌د باشد... و دیبای چینی بر روی فرش‌ها کشیده.» (گردیزی، ۱۳۶۶: ۵۷۰)

«مسیر شیخ را با پارچه‌های حریر فرش کردند.» (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۱۴۶)

«صَفَه را به قالی‌ها و دیباهای رومی به زر و بوقلمون به زر بیاراسته بودند.» (بیهقی، ۱۳۷۱: ۷۱۴)

«تمامت جدار و صحن حصار را به گستردنی‌های مُلُون و دیباهای قیمتی چون نگارخانه مانی بیاراست.» (الهروی، ۱۳۸۳: ۵۰۴)

«و در این مشهد (مشهد اسحق نبی در بیت المقدس) زمین و دیوار را به فرش‌های قیمتی و حصیرهای مغربی آراسته‌اند چنان‌که از دیبانیکوتر.» (قبادیانی مروزی، ۱۳۶۶: ۴۱)

یافته‌ها:

با مطالعه و بررسی جملات فوق در رابطه با فرش و قالی در منابع مکتوب ایران، می‌توان چنین تحلیل و بررسی کرد: قالی دست‌باف به‌عنوان یک کف‌پوش و دست‌بافته‌ای با ارزش و دارای طرح و رنگ، در قرون چهارم تا هشتم قمری (بازه زمانی در این پژوهش) رواج داشته و محل توجه طبقه ثروتمندان، درباریان و سلاطین بوده است. در این دوره، کیفیت و فن در قالی‌بافی به حدی است که در کنار الیاف رایج پشم و پنبه و ابریشم، الیاف زرین و سیمین نیز در آن استفاده می‌شده است: «از تبریز از زر و سیم و طرح و فرش زرین و سیمین هرچه توانست بار کرد و روانه شد.» (فضل‌الله، ۱۳۷۴: ۹۰۹)

طبق گزارش‌های تاریخی قدمت استفاده از زر و نقره در قالی‌بافی به حمله اعراب یعنی دوران ساسانی و قالی مشهور بهارستان برمی‌گردد، فرشی که در کاخ تیسفون خسرو پرویز پهن بود «زمین‌اش، زمینه فرش را می‌گویم، زربفت بود و نقش آن از گوهرها که بر آن نشانیده بودند.» (حشمتی رضوی، ۱۳۸۷: ۱۴۳)

در متون تاریخی مربوط به حمله مغول‌ها (قرن هفتم)، مجدد قالی‌های زرین و سیمین بافت ذکر شده‌اند: «اندر غارت مغولان... از بس زر و جواهر

یافته بودند به قماش‌ها و کالاهای نفیس دیگر نمی‌پرداختند و به جامه‌های رنگین و فرش‌های زربفت توجهی نداشتند.» (شیرازی، ۱۳۴۶: ۲۱۹)

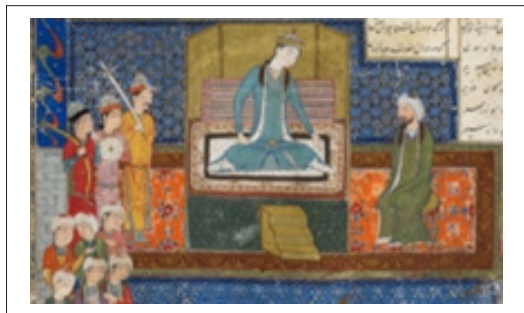
این سطح از توانایی و تسلط در قالی‌بافی این دوران نشان می‌دهد که قالی‌بافان با ساختار الیاف و تفاوت‌های هم‌زمان آنها در بافت آشنایی لازم داشتند. نکته مهم، بی‌توجهی نویسندگان به ذکر طرح و نقش در قالی‌هاست، آنها فقط به مُلُون و رنگارنگ بودن قالی‌ها بسنده کرده‌اند و از نقش و نگار آن چیزی به قلم نیاورده‌اند: «چو روز بر شب تیره شد بارگاه را در آراسته بودند و فرش‌های مُتِلُون گسترانیده» (الهروی، ۱۳۸۳: ۲۷۴)؛ بنابراین در مبحث نقوش قالی‌های این دوره، تنها می‌توان به نگاره‌های به‌جای‌مانده تکیه کرد، چرا که در منابع مکتوب هیچ اشاره‌ای به نقوش قالی‌ها نشده است و البته با این اعتماد که نقاشان و مصوران، دیده‌ها را به تصویر کشیده‌اند و نقوش قالی را به همان شکل که رواج داشته در نگاره‌ها منعکس کرده‌اند و مصداق این امانت‌داری مصوران، یکی بودن تزیینات معماری در بناها و نگاره‌ها است. «کلیه مضامین نگارگری‌ها با وقایع اتفاقیه آن زمان هرات همچنین لباس‌ها، وسایل و صورت آدمیان و آداب و تشریفات معمول قابل تطبیق است، چرا باید فقط در فرش‌های گسترده آنجا و نوع نقوش این فرش‌ها تردید کرد؟» (حشمتی، ۱۳۸۷: ۱۷۵)

البته این مطلب شایان ذکر است که می‌توان به‌عنوان یک فرضیه بررسی کرد، نویسندگانی که در زمینه نقوش قالی‌ها سکوت کرده‌اند، درباره نقوش پارچه‌ها سخن گفته‌اند، این موضوع می‌تواند خود نکته‌ای باشد که نقوش پارچه‌ها، وصف‌شدنی و شرح‌دانی بوده، اما نقوش قالی‌ها در بیان زبان، نمی‌گنجید و شاید تأکیدی باشد بر نقوش هندسی و تکرار شونده که قابلیت وصف و شرح را نداشته‌اند. نکته جالب توجه این است که نظریه هندسی بودن نقوش قالی‌ها طی قرن‌های چهار تا هشت قمری (طبق یافته‌های تحقیق و نظریات پژوهشگران) با اطلاعات و داده‌هایی که منابع تصویری نیز ارائه می‌کنند مشابه و یکسان است، اگرچه منابع تصویری در این تحقیق محل توجه نیستند، در پی مطالعات قبلی، پژوهشگران به این نکته آگاه بودند. در برخی نگاره‌های این دوره می‌توان قالی‌هایی با نقش هندسی مشاهده کرد. (تصویر ۴)

نمد یا تشک که در منابع مکتوب نیز این نکته بارها بیان شده و نگارگران نیز به دقت در آثار خود این مهم را به تصویر کشیده‌اند. (تصویر ۵)

«بر رسم معهود، خیشان (نبیره قُبلأ قآن) بر فرشی از نمد سفید نشست و چهار تن از شاهزادگان اطراف آن فرش.» (شیرازی، ۱۳۴۶: ۲۸۱)

با تطبیق و مقایسه متن کتاب‌های تاریخی درباره دیبا و پارچه‌هایی که مفروش بودند با نگاره‌ها و یادداشت‌هایی از این دست که محققان ایراد کردند، می‌توان با تردیدهای کمتر و اطمینان بیشتر چنین برداشت کرد که بسیاری از فرش‌هایی که بر روی فرش‌های دیگر پهن می‌شدند، در واقع همان دیبا و پارچه مذکور در منابع مکتوب است. همچنین به احتمال فراوان دیبا در کنار دیگر پارچه‌ها و منسوجات از منابع نقوش قالی‌ها بوده است.



تصویر ۵. نقش تشک یا نمد سفید، در خمسه خواجوی کرمانی، ملاقات انوشیروان و بزرگمهر، مکتب بغداد ایلخانی (URL2)

نتیجه‌گیری

با مطالعه و بررسی تاریخ فرش در کتاب‌های قرن چهارم تا هشتم هجری قمری، این نتایج و نظریات حاصل می‌شوند: قالی دست‌باف در قرن چهارم قمری تا قرن‌ها بعد، کالایی با ارزش و گران‌قیمت بوده است و بخشی از شکوه و جلال قصرهای پادشاهان. برخلاف فرضیه ابتدایی تحقیق، نویسندگان و مورخان از نقوش و تصاویر قالی‌ها مطلبی نگفته‌اند و تنها به ذکر جنس الیاف و رنگارنگ بودن آن اکتفا کردند. از ظرافت، زیبایی و نقوش بیان شده پارچه‌ها در منابع مکتوب، هم‌چنین در نگاره‌ها و تکه‌پارچه‌هایی به جای مانده، می‌توان چنین گمان کرد و گفت: نقوش پارچه‌ها و منسوجات، بر نقوش قالی‌های دست‌باف تأثیرگذار و از منابع مهم آن نیز بوده است و هم‌چنین نقوش قالی‌ها به واسطه هندسی و تکراری بودن قابلیت وصف و شرح نداشتند که



تصویر ۴. نقش قالی هندسی با واگیره تکرار شونده. نگاره‌گریه بر مرگ اسکندر. شاهنامه دموت (URL2)

فرض بعدی درباره ارتباط و تأثیر پارچه‌ها و منسوجات با قالی‌بافی است. علاوه بر جملات حاوی اطلاعات فرش و قالی، جملات بسیاری در این کتاب‌ها از نویسندگان بیان شده است که نشان می‌دهد صنعت نساجی در ارتباط با ظرافت و نقش، از قالی‌بافی بسیار پیشرفته‌تر بوده و این پیش‌بودن، ریشه در دوران هخامنشی و ساسانی دارد: اشکال پارچه‌های دوره ساسانی مجموعه دوایر و اشکال هندسی و نقش حیوانات و سوارکاران بود (طالب‌پور، ۱۳۹۲: ۵۱) و هم‌چنین در قرن‌های اولیه اسلامی، بافندگان پارچه در عصر سلجوقی فضای خالی را در تزیینات خود نمی‌پسندیدند و همواره سعی می‌کردند آنها را با نقوش ریز و اسلیمی‌های پیچیده پر کنند (دادور و حدیدی، ۱۳۹۰: ۲۱)؛ بنابراین چنین فرض می‌شود که از منابعی که برای الهام و تقلید در نقوش قالی بافی بوده، نقش و طرح پارچه‌هاست. پارچه‌ها و پوشاکی که به ظرافت تولید می‌شدند و نقوش در آنها واضح و نمایان بودند. نکته آخر، دیباها و پارچه‌هایی است که به‌عنوان نوعی فرش استفاده می‌شدند. در پژوهش‌های تاریخ فرش به‌خصوص در منابع تصویری باید این نکته را لحاظ کرد که ماهیت این پارچه‌ها و دیباها جدا از قالی بررسی شود. این مطلب را می‌توان در نگاره‌های دوره تیموری به‌عنوان منابع تصویری تاریخ فرش نیز مشاهده کرد که گاه در ماهیت قالی بودن آنها نمی‌توان نظری قاطعانه داد:

«در برخی از نگاره‌ها زیراندازهایی در ابعاد کوچک اجرا شده است که دلایل متقنی در خصوص فرش بودن یا نبودن آنها در دست نبود.» (سلیم‌پور، ۱۳۹۵: ۲۷)

این در حالی است که ماهیت برخی از زیراندازها در نگاره‌ها کاملاً مشخص هستند که در زمره قالی یا فرش دست‌باف قرار ندارند و دارای جنس و هویتی متفاوت هستند؛ مانند

این نکته در نگاره‌های آن دوره نیز مشاهده شد. در بررسی تاریخ فرش باید این نکته مدنظر پژوهشگران منابع تصویری قرار گیرد که برخی فرش‌ها، در واقع پارچه و دیبایی است که مورخان و نویسندگان به آن پرداخته و اشاره کرده‌اند. این نکته می‌تواند راهگشایی باشد بر تمییز دادن قالی از دیبا در نگاره‌ها به خصوص در مواردی که فرشی به روی فرش دیگر نقش شده است. همچنین شباهت نقوش بین قالی‌ها و پارچه‌های کف‌پوش این فرضیه را محکم‌تر می‌کند که طرح، نقش و ظرافت پارچه‌ها در طرح، نقش و بافت قالی‌ها تأثیر گذار بوده است.

نتیجه جامع و کلی این تحقیق: ارزش بالا و گران‌قیمت بودن قالی دست‌باف، نبود اطلاعات و گزارش در رابطه با طرح و نقش قالی، ذکر جنس الیاف است. همچنین از یافته‌ها چنین محتمل است که نقوش قالی‌ها هندسی و تکراری بودند و نقوش پارچه‌ها از منابع الهام و تأثیر گذار بر قالی‌ها. کتاب‌ها و اسناد تاریخی در روند تاریخ هنر و تاریخ فرش دست‌باف اطلاعات و داده‌های بسیار مهمی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد که می‌تواند پرسش‌ها و پاسخ‌های زیادی را در زمینه پژوهش‌های فرش ایران مطرح کند و مسیر پیشرفت و شکوه قالی ایرانی را که در طی سده‌ها پنهان و مبهم مانده است، بهتر و کامل‌تر آشکار کند.

پی‌نوشت

1. Julius Lessing
2. Holbin
3. Hans Memling
4. Wilhelm Von Bode
5. Kurt Erdmann
6. تجلی زبانی یا مکتوب رخدادهای گذشته، به صورتی که در بردارنده ذهنیت و ادراک تاریخی باشد تاریخ‌نگاری نامیده میشود (شادلو و شیرازی، ۱۳۹۶: ۴۵).
7. در لغت‌نامه دهخدا، نقاشی معنا می‌شود.

منابع

- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۳۷) *سفرنامه ابن بطوطه*، جلد ۱ و ۲، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اشعاری، محمود؛ مظاهری، مهرانگیز (۱۳۹۳) «بررسی گونه‌ها، شیوه‌ها و جغرافیای تولید فرش ایران در پنج قرن اولیه هجری با تکیه بر منابع مکتوب»، نگره، ۹(۳۱)، ۴۷-۶۱.
- الهروی، سیف‌بن محمد (۱۳۸۳) *تاریخ‌نامه هرات*، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: اساطیر.
- بیهقی، ابولفضل محمد بن حسین (۱۳۷۱) *تاریخ بیهقی*، به تصحیح علی‌اکبر فیاضی، تهران: نشر علم.
- جوینی، علاء‌الدین عطاملک محمد (۱۳۹۱) *تاریخ جهانگشا*، به تصحیح محمد قزوینی، تهران: نگاه.
- حشمتی رضوی، فضل‌اله (۱۳۸۷) *تاریخ فرش: سیر تحول و تطور فرش بافی ایران*، تهران: سمت.
- حصوری، علی (۱۳۷۶) *فرش بر مینیا تور*، تهران: فرهنگان.
- دادور، ابولقاسم؛ حدیدی، الناز (۱۳۹۰) «بررسی نقوش منسوجات قرون اولیه اسلامی»، *جلوه هنر*، ۳(۲)، ۱۵-۲۲.
- ژوله، تورج (۱۳۹۲) *شناخت فرش برخی مبانی نظری و زیرساخت‌های فکری*، تهران: یساولی.
- سلیم‌پور، روح‌اله (۱۳۹۵) *بررسی طرح و نقش فرش‌های بازتاب یافته در شاهنامه شاه طهماسب و ارائه یک طرح فرش مبتنی بر مطالعات انجام‌شده*، کارشناسی ارشد فرش، دانشکده فرش، دانشگاه هنرهای اسلامی تبریز.
- شادلو، داوود؛ شیرازی، علی‌اصغر (۱۳۹۶) «رویکردهای خاورشناسان در تاریخ‌نگاری فرش ایران از ۱۸۵۰ تا ۱۹۵۰ میلادی و آسیب‌شناسی آن‌ها»، *گلجام*، ۱۳(۳۲)، ۴۳-۶۶.
- شیرازی، شهاب‌الدین عیوب‌بن فضل‌اله (۱۳۴۶) *تحریر تاریخ و صاف*، به تصحیح عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- صداقت، فاطمه؛ خورشیدی، زهرا (۱۳۸۸) «بررسی مضامین مذهبی در نسخ خطی جامع التواریخ» *مطالعات هنر اسلامی*، ۵(۱۰)، ۷۷-۹۹.
- طالب‌پور، فریده (۱۳۹۲) *تاریخ پارچه و نساجی در ایران*، تهران: مرکب سپید و دانشگاه الزهرا (س).
- فضل‌اله، خواجه رشیدالدین (۱۳۷۴) *جامع التواریخ جلد ۱ و ۲*، به همت بهمن کریمی، تهران: اقبال.
- قبادیانی مروزی، ناصرین خسرو (۱۳۶۶) *سفرنامه ناصر خسرو*، به کوشش نادرزین پور، تهران: سپهر.
- کلاویخو، گونزالس (۱۳۷۴) *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- کمندلو، حسین (۱۳۹۳) «تاریخ فرش بافی در گستره جغرافیای تاریخی شهرهای خراسان در سده‌های اولیه اسلامی»،

the historical geography of Khorasan cities in the early Islamic centuries, *Journal of Greater Khorasan*, NO, 15. pp. 103-113 (Text in Persian).

- Mahdi ei, A. (2013). Identify the history of the evolution of the design and role of Iranian carpets from broken to revolving; Based on the study of architectural and miniature decorations in the seventh and eighth centuries AH, *Pazh*, NO, 12. pp. 139-148 (Text in Persian).
- Moqaddasi, A. (1983). *Ahsan-o-altaqasim fi marefat-o-alaqalim*, VO 1&2, Translation by Alinaghi Vaziri, Tehran: Kavian (Text in Persian).
- Najarpour Jabbari S, Nadalian A, Ayatollahi H, Pourrezaiean M, Kafshchian Moghadam A. A Comparative Study of Motifs of the First-century Carpets of the Safavid Era with the Painting in the Same Period Case Study: Comparison of two Certain Carpets. *Goljaam* 2012; 8 (21) :77-97, (Text in Persian).

- salimpoor, R. (2017). *A Study on The Pattern and Design of carpets pictures reflected in Shahname of Shah-Tahmasp providing a pattern based on studies*, Master of Art in Carpet, Tabriz Islamic Art University, Faculty of carpet (Text in Persian).
- Sedaghat, F & Khorshidi, Z. (2010). A Study of Religious Themes in Manuscripts Jam-o-Al Tavarikh, *Islamic Art Studies*, NO, 10. pp. 77-99 (Text in Persian).
- Shadluo D & Shirazi, A. (2018). The orientalist's approaches in historiography of the Iranian carpet between 1850 and 1950, and, finding their faults, *Goljam*, NO, 32. pp. 43-66 (Text in Persian).
- Shirazi, SH. (1968). *Writing the history of Vasaf*, efforts of Abdul Mohammad Ayati, Tehran: Iranian Culture Foundation (Text in Persian).
- Talebpour, F. (2014). *The history of Iranian textiles*, Tehran: Morakab Sefid (Text in Persian).

Url(s)

- URL1. http://www.azerbaijanrugs.com/manuscripts/oriental_manuscripts.htm
- URL32. <http://fa.wikipedia.org/wiki/>
- URL32. http://www.wikiwand.com/en/oriental_carpets_renaissance_painting

خراسان بزرگ، (۱۵)، ۱۰۳-۱۱۸.

- گردیزی، ابوسعید عبدالحی (۱۳۶۳) *تاریخ گردیزی*، به تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب
- مقدسی، ابوعبده محمد بن احمد (۱۳۶۱) *حسن التماسیم فی معرفه الاقالیم*، جلد ۱ و ۲، ترجمه علینقی منزوی، تهران: کاویان
- مهدی نئی، امیر (۱۳۹۱) «شناسایی تاریخ تحول طرح و نقش قالی ایران از شکسته به گردان؛ براساس مطالعه تزئینات وابسته به معماری و مینیاتور در قرون هفتم و هشتم هجری» *پاژ*، (۱۲)، ۱۳۹-۱۴۸.
- نجا ریور جباری، صمد؛ نادعلیان، احمد؛ آیت‌اللهی حبیب‌الله؛ پوررضائیان، مهدی؛ کفشچیان مقدم، اصغر (۱۳۹۱) «مطالعه تطبیقی نقوش فرش سده نخست عصر صفوی با نگارگری همان دوره موردکاوی: مقایسه تطبیقی دو قالی» *گلجام*، ۸(۲۱)، ۷۷-۹۶.

References

- Al - heravi, S. (2005). *History of Herat, Tehran: Asatir* (Text in Persian).
- Ashari, M. (2014). Investigation of Varieties, Methods and Geography of Persian Carpet Production During the First Five Centuries of the Hegira Based on the Written Sources, *Negareh*, NO, 31. pp. 47-61 (Text in Persian).
- Bayhaqi, A. (1993). *Tarix-e Bayhaqi, Tehran: Publication of science* (Text in Persian).
- Clavijo, G. (1996). *Clavijo. Embassy to tamerlan*, Translation by Masoud Rajabnia, Tehran: Scientific and cultural publications.
- Dadvar, A & Hadidi, E. (2005). A study of textile patterns of the early Islamic centuries, *Jelve-y-Honar*, NO, 2. pp. 15-22 (Text in Persian).
- Fazlollah, kh. (1996). *Jame-o-Altavarikh*, VO 1&2, efforts of Bahman Karimi, Tehran: Eghbal (Text in Persian).
- Gardzi, A. (1985). *History of Gardzi*, by Abd-o-alhay, Tehran: Book World (Text in Persian).
- Ghobadiani Marvezi, N. (1988). *Safar -Mameh-ye Naser-e Khosrow*, efforts of Nader Vazinpour, Tehran: Sephehr (Text in Persian).
- Hassouri, A. (1998). *Carpets on Miniatures*, Tehran: Farhang (Text in Persian).
- Heshmati Razavi, F. (2009). *Carpet history: the persian carpet evolution and development*, Tehran: Samt (Text in Persian).
- Ibn Battuta, M. (1959). *Ibn Battuta Travels*, Tehran: The basis of translation and publication of the book (Text in Persian).
- Jouleh, T. (2013). *Recognize the carpet Some theoretical foundations and intellectual infrastructures*, Tehran: Yassavoli (Text in Persian).
- Joveini, A. (2013). *History of Jahangoshay*, Tehran: Negah (Text in Persian).
- Kamandlou, H. (2015). History of carpet weaving in

the findings of the study would offer something different.

The main resources of the present study include old written records. They were books that had no relevance to crafts and arts in terms of their main ideas but somehow illustrated the political, social, and cultural history of their times. However, it should be noted that no book was written on fine arts and art in the investigated period. Thus, ten volumes on three different fields, including itineraries, geography, and history, that were written from the 4th century to the 8th century of the Islamic Calendar were selected using the non-random – judgmental sampling technique. Six books on political history that offered comprehensive materials (e.g., *Jami' al Tawarikh* and *Tarikh-i Bayhaqi*), three itineraries that were the most well-known itineraries written in Iran from the 4th century to the 8th century of the Islamic Calendar, and a book on geography that introduced professions, crafts, and arts in different regions and realms of Iran. The main questions of the study were as follows: “How was the Iranian carpet described in old written records?” and “What type of information did the books offer on the carpets?”

The present study is a historiographic one in terms of its goals and is conducted using the descriptive-analytical methodology. Moreover, the data were collected using library resources. The books investigated in the study, which were ten volumes and had been written during the Buyid Dynasty, Mongol Conquest, Ilkhanate Dynasty, and Timurid Dynasty, could be classified as historiography studies. Four volumes were valuable works written during the Mongol (Ilkhanate) era and had historical significance as they offered precious information on culture and arts of the studied eras. The Mongols linked western and eastern schools of thought due to their extensive political geography that stretched from China to Asia Minor, and this was evident in the surviving historical records of the time. For instance, Mongols converted to religions like Shamanism, Idolatry, Judaism, Christianity, and Islam in various periods and performed the rituals of those religions. This indicates a sort of artistic intermixture during the Ilkhanate era. Indeed, it can be argued that the dominance of Mongols in Iran was a turning point in the art history of this great land. The researchers sought to meticulously investigate the selected books to find phrases and clauses that offered reports of handwoven carpets and rugs. Thus, the books were studied line by line so that any traces of carpets in them could be found and analyzed. Moreover, the reports on carpets by historians who had no professional relation to crafts and arts were also considered and studied. Then, the clauses of the books that offered information about carpets were classified into three sections (determined by the authors in clear-cut thematic areas). Then, the evidence implied by the clauses and reports was analyzed. Undoubtedly, the number of books investigated in the present study was negligible compared to numerous books and old bulky volumes written in or about Iran. Nonetheless, the results of the study could be analyzed in other books as the historical components of the carpet. Investigating the selected books resulted in the collection of a total of 83 reports (containing at least one clause relevant to carpets) as the data of the study. The collected clauses all pointed to three considerations:

First, in all reports, carpets were described as valuable and expensive handicrafts. Second, none of the authors in the investigated four centuries made sufficient and convenient reference to the designs and drawings of the carpet and just talked about the colorfulness and, sometimes, the materials used in weaving them. Third, though the authors did not talk about the designs of the carpets, the designs and drawings of the fabrics, curtains, and Diba (a thin carpet made of cloth) were described and paid attention to. Consequently, the following conclusions and theories were obtained: the handwoven carpet was considered a valuable and expensive commodity from the 4th century of the Islamic Calendar onward and contributed to the magnificence and grandeur of the kings' palaces. Unlike the hypothesis of the study, the authors and historians made no reference to the designs and drawings of the carpets and only described the materials used in weaving the carpets and their colorfulness.

The delicacy and beauty of the fabrics described in the investigated written records (in addition to the surviving drawings and pieces of fabric) imply that the drawings of fabrics and the textile had a significant effect on the drawings of handwoven carpets and were considered important sources in that regard. Moreover, the designs of the carpets could not be described due to their geometric repetitive designs, which could be found in the drawings of the period.

Any investigation on the history of the carpet by the researchers of visual resources should take into consideration that some carpets described and noted by historians and authors were indeed cloths and dibas. This can be helpful in distinguishing the drawings of a carpet from a diba, particularly when a carpet is drawn on another one. Moreover, the similarity between the drawings of the carpets and cloths used to cover the floor consolidate the hypothesis that the designs, drawings, and delicacy of the cloths influenced the designs, drawings, and texture of the carpets.

The ultimate conclusions of the present study were the significant value and cost of the handwoven carpet, the lack of information and reports on the designs and drawings of the carpet, and references to the materials used to weave the carpet. Moreover, the findings probably imply that the designs of the carpets produced during the investigated period were geometrical and repetitive, and the drawings of cloths were a source of inspiration and influence on carpet design in those eras. Historical books and records offer valuable information and data to researchers on the process of the history of art and the history of the handwoven carpet. They can pose numerous questions and offer answers to the studies conducted on Iranian carpets to elucidate the path of the progress and splendor of the Iranian carpet, which was hidden for many centuries, in a better and more comprehensive way.

Keywords: History of carpets, Iranian carpets, carpet designs, written sources, old books.

Carpets in the Written Records of the 4th-8th Centuries of the Islamic History ¹

Akram Noori ²
Fatemeh Kateb ³
Ali, Khalighi ⁴

Received: 2021-12-25
Accepted: 2022-02-21

Abstract

Carpet is a valuable handicraft due to the number and diversity of its designs and drawings, the meticulous principles observed in weaving them, and the technical operations of coloring. The studies conducted in the field point to the high level of skills implemented by artists in creating and weaving carpets. Carpet has a very long history, and the oldest carpets displayed in museums around the world illustrate only a portion of that history. But it also has a vague history, and its process of evolution and development has so far remained unknown. In addition to the carpets or pieces of carpets that have survived to this date, paintings, drawings, and old texts are also remarkable resources in the history of the carpet. Investigating the history of carpet is an important branch of carpet studies and has been carried out by Iranian and foreign researchers for many decades. The historical information on Iranian handwoven carpets begins with the well-known Sheikh Safi Carpet in the 10th century of the Islamic Calendar. However, it is obvious that Iranian carpets date back to more ancient times. The handwoven carpet gradually gets decayed, eroded, and decomposed due to the existence of the protein structures of wool, silk, or cotton. Clear-cut pieces of handwoven carpets are limited to the past few decades. Resources that provide historical information on handwoven carpets before that time include pictorial sources (e.g., drawings) or written sources (e.g., books). Numerous drawings made during the Ilkhanate and Timurid eras, which encompass the period between the 7th and 9th periods of the Islamic Calendar, directly and explicitly illustrate the handwoven carpet. They offer information like the designs, drawings, and colors of the carpets produced during the period. Though many studies have been conducted in this field (miniatures), few studies have investigated the history of carpets in written records. Moreover - although not nearly enough - several studies have been conducted in the field that can be useful and helpful. Even though the present study has similarities to the previous studies in terms of its resources (the history of the old handwoven carpet in written records), it is different in regards to the selected historical period and the implemented written records. The main hypothesis of the study is that while the designs and drawings of carpets attracted the attention of the authors of written resources and prompted them to provide reports on them,

1. DOI: 10.22051/JJH.2022.38887.1736

2-Phd. Student, Department of Art Research, Faculty of Art, AlZahra University, Tehran, Iran.

Email: noory14018@yahoo.com

3-Professor, Department of Art Research, Alzahra University, Tehran, Iran, Corresponding Author.

Email: f.kateb@alzahra.ac.ir

4-Assistant Professor, Department of Traditional Art, Faculty of Art, Sakarya University, Serdivan, Turkey.

Email: kali@sakarya.edu.tr